

ترجمه سفرنامه ناصر خسرو در «سرزمین شمالی»

• کاژوئو موریموتو

Kozuo Morimoto

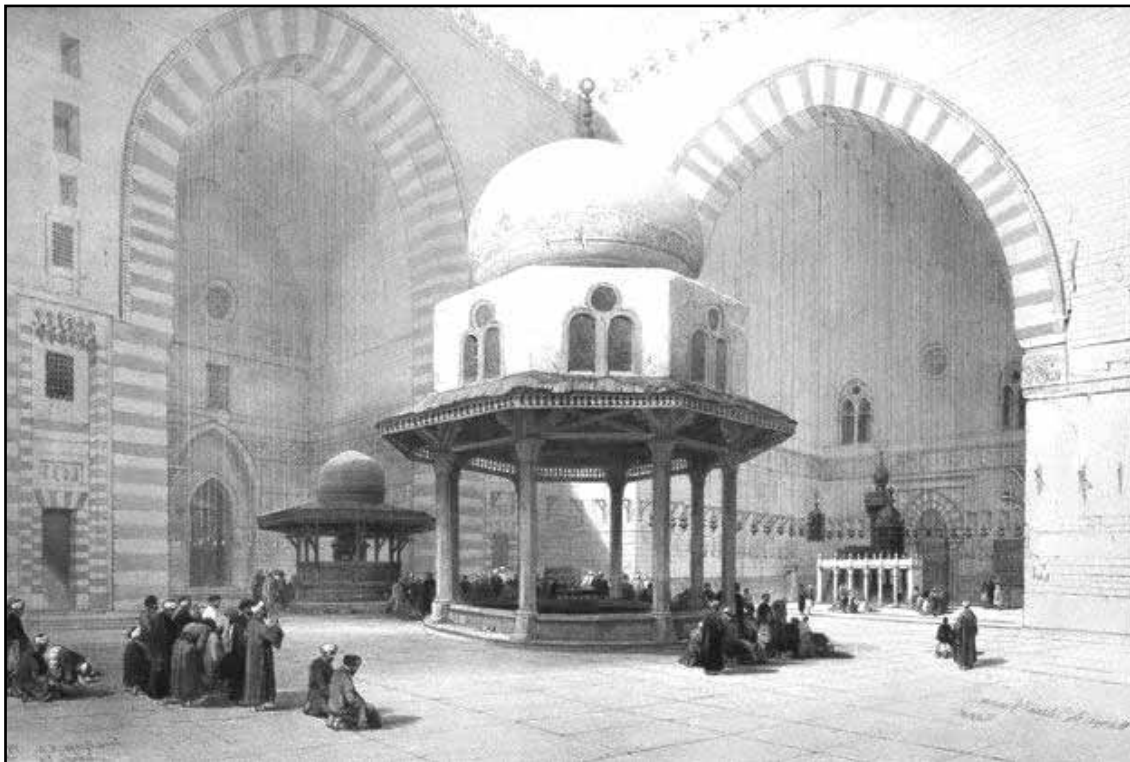
اما، لطف و عنایت ویراستاران کتاب ماه شامل حال اینجانب نیز شده و چند صفحه در این میحث به من واگذار گردیده است. اینجانب امیدوارم که بتوانم پژوهشی پرمحتوا ارائه دهم تا فایده‌ای در راستای درک این نوع منابع مهم داشته باشد. منتهی، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که ارتباط اینجانب با سفرنامه، صرفاً به این امر منحصر می‌شود که با گروهی از دانشجویان علاقه‌مند در دانشگاه هوکایدو (Hokkaido)، واقع در شمال ژاپن، در پی برگردان سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی به زبان ژاپنی هستیم. بنابراین در این نوشته کوتاه گزارشی از کار ترجمه خود و دانشجویانم را ارائه خواهم داد. من هم یقین دارم این امر تشویقی شایان توجه برای دانشجویان دانشگاه هوکایدو خواهد بود و هم امیدوارم مطلع شدن از پیشرفت کار ترجمه سفرنامه ناصر خسرو در زادگاه مجموعه تلویزیونی «از سرزمین شمالی»، که در ایران نیز از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش گردید، برای دوستان عزیز ایرانی نیز خالی از لطف نباشد.^۱

سفرنامه ناصر خسرو دربردارنده گزارشی از سفر تقریباً هفت ساله (۴۳۷/۱۰۴۶ - ۴۴۴/۱۰۵۲) شاعری صاحب قلم و اندیشمند، و مبلغ (داعی) فرقه اسماعیلی، به مناطقی مانند شام، مصر و حجاز است. این متن، گرچه متنی نسبتاً کوتاه و کم‌حجم است، در میان علاقه‌مندان به تاریخ دوران میانه اسلامی به عنوان منبعی دست اول شناخته شده است؛ زیرا دربردارنده نکات جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی بسیار بالارزشی است. از جمله: توصیف مفصل بیت‌المقدس درست در دوران قبل از دگرگونی نه‌چندان جزئی آن در دوره تسلط صلیبیان، توصیف قاهره فاطمی در اوج شکوفایی خود تحت حکومت المستنصر بالله (البته با طرفداری واضح از دولت فاطمی اسماعیلی مذهب)، و وصف شهر مکه که ناصر خسرو چهار بار به آنجا سفر کرده است.

البته، همانند همه متون قدیمی که اغلب پس از طی کردن فرآیندهای روایتی پیچیده‌ای به دست ما رسیده‌اند، در مورد متن موجود سفرنامه ناصر خسرو نیز با مشکلاتی روبه‌رو هستیم. حتی هویت این متن نیز هنوز به وضوح روشن نیست، یعنی درباره این سؤال که آیا متن جاری اصل نوشته ناصر خسرو است یا تلخیصی از آن، تاکنون نظری جامع و قطعی داده نشده است.^۲



اگر تاریخ‌نویس بخواهد تصویر کلی یک جامعه را ترسیم کند، نمی‌تواند سفرنامه‌ها را، در صورتی که موجود باشند، از فهرست منابع حذف کند. سفرنامه، که پدیدآورنده آن قاعدتاً یک مسافر یعنی یک شخص غریب است، بیشتر حاوی اطلاعاتی است که از دید افراد مانوس با محیط، به حیطه روزمرگی محسوب می‌شوند و اغلب توسط آنها ثبت نمی‌گردند. این خاصیت سفرنامه‌ها در بسیاری از موارد به تاریخ‌نویسان اجازه داده است که به سؤال‌هایی که پاسخ آنها در منابع بومی پیدا نمی‌شود، جواب بدهند و حتی نقطه نظرهای کاملاً نوینی به دست آورند. همچنین سفرنامه‌ها می‌توانند «خواندنی‌ها»یی دل‌نواز و خیال‌برانگیز باشند. همسفر شدن با مسافران زمان‌های گذشته در سفرهایی که در عرصه واقعیت دیگر تجربه آن امکان‌پذیر نیست، نه فقط برای متخصصان پژوهش‌های تاریخی بلکه برای بسیاری از خوانندگان عام نیز لذت‌بخش است. اقدام مجله کتاب ماه برای تدارک ویژه‌نامه‌ای درباره این نوع منابع بسیار بجاست و برای خوانندگان دوستدار تاریخ بسیار سودمند خواهد بود.



طبق تصمیم دولت ژاپن در اول آوریل امسال همانند سایر دانشگاه‌های دولتی به طور رسمی نیمه خصوصی اعلام شده است، از جمله هفت دانشگاه دولتی سابق است که تا پایان جنگ جهانی دوم با لقب رسمی «دانشگاه امپراتوری» خوانده شده‌اند و هنوز هم به مثابه پایگاه‌های پژوهشی معتبر در سطح کشور به شمار می‌آیند. این همان دانشگاهی است که می‌نوبو هندا (Minobu Honda)، متخصص تاریخ ایلخانان، در آن تدریس می‌کرده و پژوهشگرانی مانند ماکوتو هاتشی ئوشی (Makoto Hachioshi) را پرورش داده است. پس می‌توان گفت که در رشته ایران‌شناسی نیز دانشگاهی کم و بیش سابقه‌دار است.

اما دانشجویانی که در حال حاضر در دانشگاه هوکایدو به عنوان مثال به تاریخ خاورمیانه در دوره اسلامی روی می‌آورند، چه کلاس‌هایی را می‌توانند انتخاب کنند؟ متأسفانه گزینه‌های چندان متعددی جلوی آنها گذاشته نشده و حقیقت این است که در دانشگاه هوکایدو به جز دو نفر، که یکی از آنها من هستم، هیچ متخصص دیگری در حوزه مذکور در هیأت علمی وجود ندارد؛ تخصص آن نفر دیگر تاریخ اوایل اسلام، به خصوص روابط مسیحیان و مسلمانان است. در نتیجه کلاس‌هایی که در طول سال منعقد می‌شوند به کلاس‌های درس من و آن متخصص دیگر محدود می‌شوند و عبارتند از:

۱- کلاس مقدماتی زبان عربی

۲- کلاس مقدماتی فارسی (هر دو ۳۰ جلسه یک ساعت و نیم. توجه کنید هر دو کلاس توسط متخصص تاریخ نه زبان

اما این نوع مسائل متن‌شناسانه، در مواردی چون ترجمه ما که صرفاً از روی یکی از نسخه‌های موجود سفرنامه انجام می‌گیرد، می‌تواند کنار گذاشته شود گرچه آگاهی به آنها ضروری است. برپایه این اصل است که اینجانب و دوستان دانشجو نسخه تصحیح «دبیر سیاقی» را که در حال حاضر گسترده‌ترین رواج را در جهان داراست انتخاب نموده، کار ترجمه خود را براساس آن نسخه انجام می‌دهیم. حالا به سر مطلب اصلی این نوشته برویم و بگذارید از چگونگی کار ترجمه سفرنامه ناصر خسرو به ژاپنی بگویم.

اینجانب کار ترجمه متون را به مثابه یک کار پژوهشی کاری مفید نمی‌شناختم و هنوز هم نمی‌شناسم. پژوهشگر در پژوهش خود باید به اصل متن مراجعه نماید، پس چه فایده‌ای در ترجمه کردن تمام متن و اشتباه کردن در اثنای آن و مورد انتقاد قرار گرفتن هست؟ آدم عاقل چنانچه همه مشقت و وقت مورد نیاز را در نظر بگیرد، نوشتن مقاله پژوهشی در موضوع انتخابی خود را بسیار «به‌صرفه» تر خواهد شناخت. پس چرا در حال ترجمه کردن سفرنامه ناصر خسرو هستیم؟ وظیفه اینجانب به عنوان آموزگار، که یکی از وظایف دوگانه پژوهشگران دانشگاهی است، مرا وادار به این کار نموده است.

من از سال تحصیلی ۲۰۰۱ به عنوان عضو گروه تاریخ آسیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه هوکایدو عهده‌دار راهنمایی بعضی دانشجویان دوره لیسانس و دوره‌های تکمیلی (فوق لیسانس و دکتری) هستیم. دانشگاه هوکایدو، با اینکه بر

حیاط مسجدالازهر، قاهره



وضعیت زیربنای توسعه خاورمیانه‌شناسی و اسلام‌پژوهی ژاپن شده همکاری‌های گسترده‌ای است که پژوهشگران به طور رسمی و یا غیررسمی برقرار کرده‌اند که تا حدی جبران نقصان‌هایی را می‌کند که برای تک‌تک مراکز علمی برطرف کردن آنها بسیار مشکل است. اما کار ما در «سرزمین شمالی» کمی سخت‌تر است. جزیره هوکایدو، برخلاف توکیو یا منطقه کانسای (شامل کیوتو، اوساکا، کوبه) از تراکم دانشگاه و پژوهشگر برخوردار نیست؛ ما زیر برف و یخ رها شده‌ایم. در چنین شرایطی چطور می‌شود وضع را بهبود بخشید و برای دانشجویان انگیزه بیشتری فراهم ساخت؟ یکی از پاسخ‌هایی که به ذهن اینجانب رسید، انعقاد جلسه‌های متن‌خوانی بیرون از چهارچوب کلاس‌های رسمی بود.

برای برپا کردن جلسه‌های متن‌خوانی نخست باید متنی برگزیده شود. و گزیدن متن، نخستین دشواری بزرگ این کار بود. چه بایستی متنی را برمی‌گزیدیم که واجد دو شرط اصلی باشد: هم از لحاظ سبک و انشا برای دانشجویان مبتدی قابل خواندن و درک کردن باشد و هم از لحاظ محتوا دربردارنده معلومات اساسی درباره خاورمیانه یا جهان اسلام باشد. و صد البته امید بازدهی و ثمری هم از این جلسات داشتیم. با در نظر گرفتن زمانی که برای این کار قرار بود صرف شود، توقع یک دستاورد مشخص نیز در میان بود. یعنی اینکه ثمره آن جلسات ترجمه کامل متن انتخاب نیز باشد. پس باید متنی انتخاب می‌شد که چندان طولانی نباشد تا بتوانیم ترجمه‌اش را به پایان برسانیم. همچنین باید به دنبال متنی می‌گشتم که هنوز به ژاپنی ترجمه نشده باشد، نثرش دشوار نباشد و از نظر حجم نیز مناسب باشد. نام متنی که به ذهنم

تدریس می‌شود)

۳- متن خوانی به زبان عربی برای دانشجویان دوره لیسانس

۴- خواندن متون فارسی در همان سطح (هر دو ۳۰ جلسه)
 ۵- متن خوانی به زبان عربی در سطح دوره‌های تکمیلی
 ۶- معادل آن به فارسی (هر دو ۳۰ جلسه) و معمولاً دو کلاس ۱۵ جلسه‌ای دیگر نیز توسط اینجانب و آن متخصص دیگر در موضوعات مربوط به حیطة کار خودمان اما بسیار عام‌تر برگزار می‌شوند. البته دانشجویان می‌توانند از کلاس‌های دیگر مانند کلاس روش پژوهش تاریخی و یا کلاس‌هایی که در رشته‌های دیگر مانند تاریخ ژاپن، تاریخ چین و یا تاریخ غرب تشکیل می‌شوند استفاده کنند. ولی این امر به هیچ وجه قابل انکار نیست که دانشجویان با کمبود استاد و در نتیجه مواد درسی مواجهند و امکانات کافی در اختیار ندارند تا معلومات خود را درباره خاورمیانه یا جهان اسلام، منطقه‌ای که اصولاً در ژاپن بسیار کم شناخته شده است، گسترش دهند و توانایی زبانی بالایی نصیب آنان گردد.

گرچه خاورمیانه‌شناسی و اسلام‌پژوهی در ژاپن به تازگی سیر رو به رشد چشمگیری را طی می‌کند، وضعیت تک‌تک دانشگاه‌ها در اکثر موارد چندان تفاوتی با وضعیت دانشگاه هوکایدو ندارد. از این لحاظ رشته ما به هیچ وجه قابل مقایسه با چین‌شناسی و غرب‌شناسی نیست که علاوه بر عمق و وسعت از امکانات فراوان از قبیل پست-های دانشگاهی و کتابخانه‌های غنی برخوردار هستند. آنچه در این



این امر به هیچ وجه قابل انکار نیست که دانشجویان ایران شناسی در ژاپن با کمبود استاد و در نتیجه مواد درسی مواجه‌اند و امکانات کافی در اختیار ندارند تا معلومات خود را درباره‌ی خاورمیانه یا جهان اسلام گسترش دهند

اساس ترجمه، نسخه‌ی تصحیح دبیر سیاقی است و مشی اساسی ما نیز آن است که تا حد امکان به متن این نسخه پایبند باشیم

باشد، تنها آن امر را در پانویس متذکر می‌شویم و در متن ژاپنی، ترجمه‌ی مطابق با متن اصلی را درج می‌نماییم. گذشته از چاپ‌های مختلف، بیشتر ترجمه‌های سفرنامه نیز مورد استفاده‌ی ما قرار می‌گیرند تا دانشجویان مجبور باشند به فراگیری زبان‌های مختلف روی بیاورند. ترجمه‌های مورد استفاده‌ی ما عبارتند از: ترجمه‌ی فرانسه توسط شفر (Schefer)، ترجمه‌ی انگلیسی توسط تاکستن (Thackston) دو ترجمه‌ی آلمانی، یکی کار نجم‌آبادی و وبر (Weber) و دیگری اثر von Melzer، ترجمه‌ی روسی برتلس (Bertels) ترجمه‌ی ترکی توسط طرزی (Tarzi)، ترجمه‌ی عربی الخشاب و دو ترجمه‌ی بخش مربوط به شام و بیت‌المقدس به زبان انگلیسی. البته، مشی و کیفیت این ترجمه‌ها با هم متفاوت هستند. مثلاً از ترجمه‌ی عالمانه‌ی شفر (Schefer) هم از پایبندی آن به متن و هم از حواشی مفید و مفصل، رایحه‌ی شرق‌شناسی متعهد و تخصصی قرن نوزدهم اروپا به مشام می‌رسد، در حالی که در ترجمه‌ی تاکستن (Thackston) که گویا خوانندگان را به طور عام در نظر داشته است (نگهداری ادب فارسی در میان ایرانیان مقیم آمریکا نیز مد نظرش بوده است؟) می‌بینیم که در ترجمه‌ی انگلیسی به روانی نثر انگلیسی بیشتر از پایبندی به متن اهمیت داده شده است و در بعضی موارد مشکلاتی که متن اصلی دارد از نظر خوانندگان پوشیده مانده است. همچنین پیدا کردن تأثیرگذاری‌های این ترجمه‌ها بر یکدیگر نیز نکته‌ی جالب توجهی بود. به عنوان مثال، حواشی ترجمه‌ی ترکی طرزی (Tarzi) در بسیاری از موارد برگرفته از ترجمه‌ی فرانسوی شفر است. در مواردی که خود ما با متن اصلی مشکل داشتیم و به ترجمه‌های مختلف مراجعه نمودیم، دیدیم که این مترجمان در تهیه کردن ترجمه‌های خود حتی بدون ارجاع دادن به ترجمه‌های پیش از آنها بهره‌های فراوان برده‌اند و از نظرهای پیشقدمان خود پیروی نموده‌اند. ما سعی کردیم در مواردی که متن اصلی مبهم و پیچیده بود و ما را با چندگونه برداشت روبه‌رو می‌کرد، بعد از مراجعه به ترجمه‌های مذکور تصمیم خود را به طور مستقل بگیریم و نظرهای مترجمان پیشین را در حواشی ثبت کنیم.

خطور نمود، همان سفرنامه‌ی ناصر خسرو بود. سفرنامه‌ی ناصر خسرو مانند دیگر متون همزمان خود به سبک ساده‌ای نگاشته شده است و حاوی معلومات جغرافیایی و تاریخی بسیاری است که نه فقط به ایران بلکه به قسمت‌های مهمی از خاور میانه نیز مربوط می‌شوند. و مهمتر از همه اینکه به اندازه کافی جالب است، حتی برای کسانی که هنوز در تاریخ اسلام مبتدی هستند. پس اینجانب و دانشجویان در آوریل ۲۰۰۲ کار ترجمه را شروع کردیم. از ساعت ۱۸/۳۰ تا ساعت ۲۱ هر پنج‌شنبه یک جا جمع شده و به خواندن سفرنامه می‌پردازیم.

در این جلسات که همیشه شش، هفت نفر به طور داوطلبانه شرکت دارند، یکی از دانشجویان، پس از قرائت قسمتی از متن که پیشاپیش به او تخصیص داده شده است، ترجمه‌ی خود را ارائه می‌دهد. و بر همه حضار از جمله اینجانب است که در مورد هر گونه اشکالی، از خواندن صحیح جملات گرفته تا پرداختن نثر ژاپنی، نظر دهند و پیشنهادهای خود را ارائه نمایند. در اوائل، حتی جلساتی هم بود که پس از تصحیح کردن ترجمه‌ی «عجیب و غریب» اولیه، که در آن انگار ناصر خسرو ما فضاورد شده در عمق تاریکی معما آمیزی به سیر ماوراءالطبیعه‌ای می‌پرداخت، متوجه شدیم که در دو ساعت و نیم ده سطر بیش پیشروی نکرده‌ایم. اما اکنون، پس از گذشت بیش از دو سال، کم پیش می‌آید که پیشروی ما در یک جلسه کمتر از ۳۰ سطر باشد (البته، هنوز هم تکرار کردن جمله‌ی «الله مع الصابرين» در اثنای جلسه برای اینجانب ضرورت دارد). ترجمه‌ای که دانشجویان تهیه می‌کنند و در هر جلسه می‌آورند هنوز در سطح قانع‌کننده-ای نیست، ولی یقین دارم برگزاری این جلسات بی‌تأثیر و بی-معنی نبوده است.

همان طور که اشاره کردم، اساس ترجمه، نسخه‌ی تصحیح دبیر سیاقی است و مشی اساسی ما نیز آن است که تا حد امکان به متن این نسخه پایبند باشیم. البته، در موارد ضروری به نسخه‌های تصحیح شفر (Schefer)، غنی‌زاده و وزین‌پور نیز مراجعه می‌نماییم تا دانشجویان بفهمند «تصحیح» چه نوع کاری است، ولی همیشه محتاط هستیم تا وارد مسائل متن شناسانه نشویم. حتی در مواردی که شکل موجود در متن اصلی سؤال برانگیز



سفرنامه ناصر خسرو مانند دیگر متون همزمان خود به سبک ساده‌ای نگاشته شده و حاوی معلومات جغرافیایی و تاریخی بسیاری است که نه فقط به ایران بلکه به قسمت‌های مهمی از خاورمیانه نیز مربوط می‌شوند

از سفرنامه ناصر خسرو به تصحیح دبیر سیاقی است و هنوز هم در راه. گرچه در اثنای حواشی نویسی به چند نکته پی بردیم که کم و بیش تازگی دارد و شاید در فرصت مناسبی بشود گزارشی از آنها تهیه کرد، به نظر نمی‌رسد اشاره به آنها در این گزارش مناسب داشته باشد. بنابراین ناچارم این نوشته را به شکل یک گزارش صرف از فعالیت ناچیز خود به پایان برسانم.

امید است که نهال‌های جوان ایران‌شناسی که در «سرزمین شمالی» توسط سفرنامه ناصر خسرو پرورش می‌یابند، تا اندازه‌ای رشد کنند که بتوانند یک روز به ایران برسند و از طریق تبادل نظرهای علمی و ادبی با دانشمندان ایرانی به سفر علمی خود ادامه دهند. همین برای اینجانب بزرگترین بار و نتیجه‌ای خواهد بود که از کار این ترجمه خواهم گرفت و همچنین در زمانی که انگار خودپسندی و نادیده گرفتن ارزش‌های دیگران جهان را فرا گرفته است، این‌گونه روابط غنیمتی است گرانقدر.

پی‌نوشت‌ها:

توضیح کتاب ماه:

دکتر موریموتو نوشتار حاضر را زمانی تهیه کردند که در گروه تاریخ آسیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه هوکایدو مشغول به تدریس بودند و در همان زمان ترجمه سفرنامه ناصر خسرو را به زبان ژاپنی در قالب یک کار پژوهشی و درسی با تعدادی از دانشجویانشان آغاز کردند. اما اکنون حدود دو سال از نگارش این گزارش می‌گذرد. ایشان از دانشگاه هوکایدو به مؤسسه فرهنگ شرقی دانشگاه توکیو منتقل شده‌اند و از آوریل ۲۰۰۵ در دانشگاه اخیر به تدریس و تحقیق مشغول هستند. دکتر موریموتو کار ترجمه سفرنامه ناصر خسرو را نیز به پایان برده‌اند.

همانطور که در متن مقاله نیز اشاره شده است، این ترجمه در چهار بخش، در چهار شماره مجله گروه تاریخ آسیای دانشگاه هوکایدو، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ (در شماره‌های ۳۵ تا ۳۸) به

همان طوری که اشاره کردم اینجانب در نظر داشتم متن ترجمه شده را به چاپ برسانم، چون هم می‌خواستیم از وقت و تلاش حداکثر استفاده را کرده باشیم و هم اینکه تجربه همه کارهای ریز و طاقت‌فرسا برای چاپ کردن مطلب علمی را برای دانشجویان مفید می‌دانستیم. مجله گروه تاریخ آسیای دانشگاه هوکایدو، Shihoh پیشنهاد اینجانب را پذیرفت که ترجمه ما در چهار قسمت در آن مجله چاپ شود. لذا در جلسه‌های هفتگی در کنار تصحیح ترجمه اولیه، برای دانشجویان مشخص می‌کردم در کجا چه پانویس‌هایی نوشته شوند و آنها به تهیه کردن نسخه ثانوی می‌پرداختند. و آن نسخه ثانوی، بعد از تصحیح و ویرایش مجدد توسط اینجانب به پاره‌های دیگر پیوند داده می‌شد و به شکل نسخه نهایی درمی‌آمد.

قسمت اول ترجمه ما همراه مقدمه مفصلی در شرح حال ناصر خسرو و معرفی سفرنامه‌اش به قلم یکی از دانشجویان دوره دکتری، (Hiroyuiki Nagamine) که حوزه تخصص وی تاریخ فرآیند از هم پاشیدن الوس جوجی و تشکیل قدرت خانان قزاق است، در شماره ۳۵ (۲۰۰۳/۳) مجله مذکور به چاپ رسید. این قسمت دربردارنده شرح سفر ناصر خسرو از حرکت تا ورود به شهر مکه است. همچنین قسمت دوم آن در شماره بعدی، یعنی در شماره ۳۶ (۲۰۰۳/۱۲) درج گردید و خط پیشروی ما را تا ورود ناصر خسرو به قاهره جلو برد. ۲ و تاکنون بخش عمده-ای از صفحاتی که برای قسمت سوم در نظر گرفته‌ایم، یعنی قسمتی شامل توصیف قاهره و ورود ناصر خسرو به مکه، در جلسه خوانده شده است و نسخه‌های ثانوی آن در حال تهیه می‌باشند (این قسمت در شماره ۳۷ که قرار است در تاریخ ۲۰۰۴/۱۲ منتشر شود مندرج می‌گردد). اگر کار ما به سرعت جاری ادامه یابد، آخرین قسمت نیز در تاریخ ۲۰۰۵/۱۲ انتشار خواهد یافت. البته آرزو داریم که اگر ناشر علاقه‌مندی پیدا شود، پس از تصحیح مجدد، ترجمه را به شکل یک کتاب دربیابیم و به چاپ برسانیم.

کار ترجمه ما در «سرزمین شمالی»، صرفاً ترجمه ساده‌ای



امید است که نهال‌های جوان ایران‌شناسی که در «سرزمین شمالی» توسط سفرنامه ناصر خسرو پرورش می‌یابند، تا اندازه‌ای رشد کنند که بتوانند یک روز به ایران برسند و از طریق تبادل نظرهای علمی و ادبی با دانشمندان ایرانی به سفر عملی خود ادامه دهند

چاپ رسیده است.

به منظور حفظ اصالت و آهنگ مقاله اصلی، در متن مقاله بر اساس اتفاقات پیش گفته تغییری داده نشده است.

۱- هم لازم به ذکر است و هم جای تشکر که استاد هاشم رجب‌زاده در صفحه ۱۵۳ شماره ۶۷/۶۶ (۱۳۸۲) این مجله در اثنای معرفی وضع کنونی ایران‌شناسی در ژاپن، به این کار ترجمه نیز اشاره نموده‌اند که تشویق بسیار مؤثری برای دانشجویان بود.
۲- نظریه‌ای نیز ارائه شده است که متن سفرنامه ناصر خسرو را ساخته انگلیس‌ها می‌شناسد زیرا می‌خواستند با جعل کردن متن قدیمی سیاست استعمارگر خود را پیش ببرند (ف. منصور، نگاهی نو به سفرنامه). اما به نظر اینجانب این نظریه هنوز فاقد شواهد کافی است. نیز ر. ک: ۱. افشار، «تازه‌ها و پاره‌ها (۶۳)»، بخارا، ۲۹/ ۳۰ (۱۳۸۲).

۳- این دو قسمت، پس از حذف حواشی، روی سایت اینترنت اینجانب نیز گذاشته شده‌اند
(<http://homepage3.nifty.com/morikazu/Persian.html>)

* از خانم دکتر زهرا طاهری که با شکیبایی، متن اصلی را به فارسی روان تبدیل کردند، سپاسگزاری می‌کنم.

کتابنامه:

• افشار، ایرج. «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۶۳)». بخارا، ۳۰/۲۹ (۱۳۸۲).

• منصور، فیروز: نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو. تهران: چاپخش، ۱۳۷۲.

• ناصر خسرو. سفرنامه حکیم ناصر خسرو به انضمام روشنایی نامه و سعادت نامه. تصحیح م. غنی‌زاده. برلین: کاویانی، ۱۳۴۱.
تجدید چاپ. تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۱.

• ناصر خسرو. سفرنامه. به کوشش م. دبیر سیاقی، چاپ پنجم، تهران: زوار، ۱۳۷۳.

• ناصر خسرو. سفرنامه. به کوشش ن. وزین پور، چاپ اول،

۱۳۵۰، چاپ ششم، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۶.

• ناصر خسرو؛ یحیی الخشاب (مترجم). سفرنامه. قاهره، ۱۳۶۵ هـ، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب الجدید، ۱۹۸۳ م.

• Bertels, A.E. tr. Nasir-i Husrau, Safar-Name. Moskva & Leningrad: Academia. 1933.

• Fuller, A.R. tr. "An Account of Jerusalem Translated for the Late Sir H.M. Elliot from Persian Text of Nasir ibn Khusru's Safarnamah." Journal of the Royal Asiatic Society. 1872. pp. 142-164.

• Le Strange, Guy tr. Diary of a Journey through Syria and Palestine by Nasir-i-Khusrau, in 1047 A. D. London: Library of the Palestine Pilgrims' Text Society. 1893.

• Melzer, U. von tr; M. Mayrhofer ed. Safarname. Graz: Leykam. 1993.

• Morimoto, K. & Hokkaido Association for the Study of Persian Historical Sources trs. "Nasir-i Khusraw's Safarnamah (I) (II)." Shiho. 35 (2003). pp. 1-29, 36 (2003). pp. 24-47. (in Japanese; with an introduction by H. Nagamine in part one)

• Najmabadi, S. & S. Weber trs. Naser-e-Khosrou, Safarname. München: Diederichs. 1993.

• Schefer, Charles ed. & tr. Sefer Nameh: relation du voyage de Nassiri Khosrau, Paris. 1881. repr. Amsterdam: Philo Press. 1970.

• Tarzi, A. tr. Nasir-i Husrev, Sefername. Istanbul: Milli Eğitim Basımevi. 1950. 2nd ed. 1967.

• Thackston Jr, W.M. tr. Nasir-i Khusraw's Book of Travels Safarname: A Parallel Persian-English Text. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers. 2001.